

**سازمان فدائیان (اقلیت) چه می گوید و چه می خواهد،
سازمان های سیاسی طرفدار نظام سرمایه داری
چه می گویند و چه می خواهند؟**
صفحه ۵

**نگاه کوتاهی به جنبش دانشجویی ایران
و راهکاری برای نیرومندتر شدنش**

گرامی می دارند و خاطره ی سه دانشجوی مبارز به نام های شریعت رضوی، قندچی و بزرگنیا را که در این روز و چند ماه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به خون سپیدند زنده نگاه می دارند. شمار بزرگی از رفقای فدایی نیز که در زمان شاه دستگیر زندانی و اعدام شدند از همان دانشگاههایی می آمدند که شاه در نامیدنشان به عنوان "مرکز خراب - کاری" شک نمی کرد.

اما رژیم جمهوری اسلامی علاوه بردشمنی اش با علم و دانش و آگاهی که برخاسته از ماهیت دینی اش است، از همان روزهای اول استقرار خود به مقابله با دانشجو و دانشگاه همت گمارد و دست رژیم شاه را در این زمینه از پشت بست. حکومت اسلامی به نام "انقلاب فرهنگی" و با یاری نخستین رئیس جمهوری و دانشگاهها را به خاک و خون کشید و آنها را تعطیل کرد. گماشته گانش همچون عبدالکریم سروش و صادق زیبا کلام به تصفیه و قلع و قمع استادان و دانشجویان پرداختند و به جای آنها مشتاقی آخوند و پاسداربسیجی را برکرسی - ها و صندلی های دانشگاهها نشاندهند. تمام تشکلات صنفی و سیاسی دانشجویی، از جمله دانشجویان پیشگام را، منحل و سرکوب کردند و به جایش "دفترتحکیم وحدت دانشگاه و حوزه" تشکیل دادند.

همانگونه که در بالا آمد، از آن جایی که جنبش دانشجویی نمی تواند به عنوان پدیده ای در خود عمل کند، ضد انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی و ۸ سال جنگ ارتجاعی آن با عراق از عمده دلایل رکود جنبش دانشجویی بود. جمهوری اسلامی که هر جنبش و مطالبه ی توده ای را به نام "جنگ حق علیه باطل" و "تا فتح کربلا و قدس" سرکوب و دعوت به سکوت می کرد، با جنبش دانشجویی نیز چنین رفتاری را پیشه کرد. اما سرانجام خمینی جلاد "جام زهر" را نوشید و جنگ خاتمه یافت. مطالبات

امروز جنبش دانشجویی، اهمیت آن و تاثیری که این جنبش مانند تمام جنبش های دیگر در ایران دارد جزو مهم ترین مباحثی است که در اخبار، تحلیل گروه های سیاسی و روند روی دادها مطرح می شود. اما همانگونه که طبقات گوناگون اجتماعی تعریف های مختلفی از آزادی، دموکراسی و حقوق دموکراتیک دارند، سطح انتظار آنها نیز از جنبش دانش جویی متفاوت و بحث انگیز است و از این جا تعریف شان نیز از جنبش به طور عام و جنبش دانشجویی به ویژه، تفاوت هایی آشکار و چشم ناپوشیدنی دارد. از نظر ما کمونیست ها، جنبش دانشجویی، مانند هر جنبش یا حرکتی، فرایندی از مبارزه ی اضداد است که به محتوای درونی تغییرات شکل می دهد. پس جنبش دانشجویی نیز پدیده ای نیست که در خلاء عمل کند و در پیوند تنگاتنگ با کل جامعه و هر چه در آن می گذرد، نباشد. بدین جهت است که جنبش دانشجویی نیز مانند دیگر حرکت های اجتماعی از فراز و نشیب هایی برخوردار بوده و خواهد بود، زیرا با همان حرکت های اجتماعی در پیوند بوده و خواهد بود و مانند آن ها گاهی با سرکوب عقب می نشیند و با از سرگیری مبارزه با اضداد واپسگرایی خود و پس راندن آن ها به پیش می رود.

تاریخ ۵۰ سال اخیر ایران نشان می دهد که جنبش دانشجویی در کشور ما دایما براهمیتش به عنوان بخشی از جنبش عمومی توده ای و اجتماعی افزوده و این افزایش وزن در ارتباط با گسترش شمار دانشجویان و مراکز آموزش عالی بوده است. ترس و وحشتی که دو رژیم ضد بشری شاه و جمهوری اسلامی نیز از جنبش دانشجویی داشته و دارند درست از همین جا برمی خیزد.

جنايات رژیم شاه علیه دانشگاه بر کسی پوشیده نیست. دهها سال است که دانشجویان ایران روز ۱۶ آذر را به نام روز دانشجو

**تأثیرات دوگانه سیاست
امپریالیسم بر جمهوری اسلامی**

سفر اخیر جک استراو وزیر خارجه انگلیس به ایران و مجموعه سخنانی که در این رابطه ایراد کرد و به دنبال آن اظهارات کالین پاول وزیر امور خارجه آمریکا پیرامون رویدادهای داخلی ایران، بار دیگر بر سیاست شلاق و نان قندی بلوک امپریالیستی آمریکا و انگلیس در قبال جمهوری اسلامی مهرتائید می زند. سیاستی که، توامان یک رشته عقب نشینی از مواضع پیشین جمهوری اسلامی و یک رشته پیشروی مداوم برای بلوک امپریالیستی را در پی داشته است. اگر نزدیک به دو سال پیش، ورود وزیر خارجه انگلیس پس از حدود ۲۰ سال به تهران، اعتراضاتی ولو سمبلیک در برابر سفارت انگلیس در تهران را در پی داشت، این بار اما، واکنش در برابر این سفر، آن هم فقط چند روز بعد از اظهار نظر تونی بلر به تقلید از بوش و گفتن این که "تظاهرات ضد رژیم استحقاق حمایت دارد"، از حد نق زدن محدود و چند عنصر مثل گرداننده روزنامه کیهان و رئیس فراکسیون "روحانیون مبارز" در مجلس و امثال اینها، فراتر نرفت. گرچه مباحث فیما بین جک استراو و دولت جمهوری اسلامی به طور علنی و روشن مطرح نشده و این البته از خصوصیات دیپلماسی مخفی است، اما با توجه به سابقه مسئله و سیاست آمریکا پس از یازده سپتامبر و نیز با توجه به تحولات و رخداد های سیاسی منطقه و بالاخره با توجه به محتوای گفتار طرفین می توان به این مسئله پی برد که علاوه بر موضوع جلب همکاری همه جانبه جمهوری اسلامی در زمینه رعایت پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای (جمهوری اسلامی این پیمان را امضا کرده است) و امضاء پروتکل الحاقی آن (که امکان و شرایط بازرسی سرزده بازرسان آژانس بین المللی اتمی را فراهم می سازد)، مسائل دیگری از قبیل مداخله در امور داخلی عراق، مسئله تروریسم و جریان القاعده، گروه های مذهبی فلسطینی و روند مذاکرات میان اسرائیل و فلسطین و بالاخره مسئله "حقوق بشر" از جمله مسائل مورد بحث و مناقشه بوده است.

صفحه ۲

۱۲ اخباری از ایران
خلاصه ای از اطلاعیه ها
و بیانیه های سازمان
۴



تأثیرات دوگانه سیاست امپریالیسم بر جمهوری اسلامی

وزیر خارجه انگلیس نزدیکترین متحد اروپایی آمریکا، در جریان مذاکرات خود با مسئولین و مقامات جمهوری اسلامی امرانه از جمهوری اسلامی خواست که هر چه زودتر پروتکل الحاقی پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را امضا کند. وی، این موضوع را خواست اتحادیه اروپا خواند و تهدید کرد چنانچه جمهوری اسلامی آن را امضا نکند و طبق خواست بلوک امپریالیستی آمریکا و انگلیس عمل نکند، از اخذ موافقت نامه تجاری با اروپا که جمهوری اسلامی طی چندین سال گذشته، تلاش زیادی برای کسب آن به کار برده است، و به طریق اولی از توسعه تجارت با اروپا محروم خواهد شد و علاوه بر آن، قضیه تحریم های اقتصادی دولت آمریکا و محدودیت‌های مربوط به آن، کماکان به قوت خود باقی خواهد ماند!

اگر گذشته، جمهوری اسلامی با مراجعه و پناه بردن به اروپا و ژاپن می‌توانست فشارهای آمریکا را تا حدودی خنثا کند، در شرایط کنونی امکان چنین مانوری وجود ندارد. موضع اروپا، به رغم اختلافاتش با آمریکا، با سیاست آن در این زمینه هماهنگ شده است. ژاپن به عنوان یکی دیگر از شرکای تجاری جمهوری اسلامی نیز، شرط احتیاط را در نظر می‌گیرد و ضمن ابراز نگرانی نسبت به برنامه های هسته‌ای جمهوری اسلامی خواهان آن شده است که دولت ایران، اجازه ورود بازرسان بین المللی برای بازرسی کامل تاسیسات هسته ای جمهوری اسلامی را صادر کند. علاوه بر این‌ها، روسیه نیز که از سایرین به جمهوری اسلامی نزدیکتر بود، امضاء پروتکل الحاقی را به جمهوری اسلامی توصیه نموده است.

مقامات دولتی جمهوری اسلامی در برابر تهدیدات وزیر خارجه انگلیس که در عین حال تا حدود زیادی حامل پیام و مجری سیاست دولت آمریکا نیز هست، فوراً کوتاه آمدند. در عین حال آن‌ها از دخالت سران آمریکا و انگلیس در امور داخلی جمهوری اسلامی ایران، گله و انتقاد داشتند و خواستار تغییر این شیوه بودند. مسئله القاعده، عدم دخالت در امور داخلی عراق، مسئله فلسطین، موضوعاتی بودند که جمهوری اسلامی جرات چون و چرا بر سر آنها را نداشت و ندارد. در مورد "تروریسم" نیز قضیه به همین صورت است. خواهش خاتمی و دیگر مقامات دولتی فقط این بود که این هم-کاری، "دوجانبه" و با "حسن نیت" توأم باشد و با "تروریست‌هایی که بیشترین ضربه را به جمهوری اسلامی زده اند، برخورد جدی شود". جک استراو نیز وعده برخورد جدی با مجاهدین را داد و در عین حال اضافه کرد که "در این خصوص اقدامات مهمی در عراق انجام شده است!" به هر رو، سخنان و عکس العمل

مقامات دولتی جمهوری اسلامی، گرچه در آغاز، کلی و چند پهلو بود و طرف جمهوری اسلامی منتظر بود ببیند طرف مقابل چه گذشتی نشان می‌دهد و چه امتیازی می‌دهد، اما رویدادهای بعدی حاکی از کوشش جمهوری اسلامی برای جلب رضایت جک استراو، مهره اعزامی بلوک امپریالیستی و بند و بست های دیگری، با وی و با دولت‌های امپریالیستی بود.

بلافاصله بعد از تهدیدات کارساز جک استراو، گذاشتن نان قندی در سینی جمهوری اسلامی توسط کالین پاول وزیر خارجه آمریکا با گفتن این که آمریکا نباید در رویدادهای داخلی ایران دخالت کند و این که آمریکا باید در نظر داشته باشد که رئیس‌جمهور ایران به طور آزادانه انتخاب شده است، حاکی از توافقات جدید پشت پرده بود. به دنبال این اظهار نظر، وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز سریعاً عکس العمل نشان داد. خرازی، با شرف زیادی از سخنان پاول استقبال کرد و آن را "نشانه‌ای از پذیرش واقعیت" خواند و چنین اظهار امیدواری نمود که این واقع بینانه‌ها، استمرار یافته و به تغییر "رویکرد آمریکا" نسبت به جمهوری اسلامی منجر شود!

واقعیت این است که جمهوری اسلامی در زمینه پذیرش خواست‌ها و شرط و شروط بلوک امپریالیستی مشکلی ندارد و چه در مورد عدم مداخله در امور داخلی عراق، چه مسئله فلسطین و چه موضوع تروریسم و جریان القاعده، تاکنون نیز البته برای حفظ و بقا، خویش، از مواضع پیشین خود کوتاه آمده است. در زمینه امضاء پروتکل الحاقی پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای نیز راه دیگری ندارد و آن را می‌پذیرد. هر چند برای امضاء این پروتکل تا سپتامبر فرصت دارد، اما از هم‌اکنون ورود البرادعی (رئیس آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای) را به ایران خوش آمد گفته است.

نرمش در سیاست خارجی اما همه جا با تشدید سرکوب و گسترش اختناق داخلی همراه بوده است. خاتمی، خامنه‌ای و دیگر سران رژیم، دانشجویان و سایر اقشار مردم زحمتکشی را که ده روز متوالی در اکثر شهرهای بزرگ ایران علیه رژیم دست به تظاهرات و راهپیمایی زدند، اغتشاش‌گر خواند که باید بی رحمانه سرکوب شوند. از وحشت گسترش و تعمیق این اعتراضات و برآمدهای توده ای، دستگیری و حبس دانشجویان، کارگران، معلمان و سایر شهر-وندان در تمام سطوح افزایش یافته است، حتی طرفداران نظام نیز به صرف یک انتقاد و مخالفت، دستگیر و روانه زندان می‌شوند که این، با مسئله رعایت "حقوق بشر" حتی در چارچوب نرم‌های دولتهای غربی و امپریالیستی نیز همخوانی ندارد. اگرچه مسئله "حقوق بشر" یکی از مباحث میان جمهوری اسلامی و دولت‌های غربی و امپریالیستی

است، اما نباید فراموش کرد که رعایت یا عدم رعایت حقوق بشر برای این دولت‌ها نه فقط مسئله‌ای تعیین کننده نبوده و نیست، بلکه این دولت‌ها همواره استعداد چشم فرو بستن به روی نقض "حقوق بشر" و کنار آمدن با ارتجاعی ترین رژیم‌هایی که به خشن ترین نحوی این حقوق را نقض و پایمال کرده اند، داشته اند و دارند. این که آید اول غربی و امپریالیستی امتیازات اقتصادی و سیاسی کافی به دست آورده اند تا به نرمش‌های جمهوری اسلامی در این حدود اکتفا کنند و فرضاً به طور کامل از کنار مسئله نقض "حقوق بشر" بگذرند و آن را بهانه کسب و تکمیل امتیازات خود نسالند؟ این که آید رگام‌های بعدی، فرضاً در جریان بازرسی تاسیسات انرژی هسته ای جمهوری اسلامی، بهانه‌ی دیگری به همین منظور بتراشند و رژیم‌راحتت فشار بگذارند؟ اینها نکاتی است که بعداً مشخص می‌شود اما موضوعی که از هم‌اکنون روشن است این است. آمریکا و متحد اصلی آن انگلیس، حتی سایر دولت‌های غربی و امپریالیستی، برای کسب امتیازات اقتصادی و سیاسی، برای گسترش نفوذ خود در ایران و برای غارت و چپاول دسترنج کارگران و زحمتکش‌ان ایران، سیاست شلاق و نان قندی را وسیعاً به کار خواهند بست. هر جا لازم باشد، بر پایه اطلاق "محور شر" به جمهوری اسلامی، سیاست تغییر رژیم، و هر جا ایجاب کند، سیاست تغییر رفتار رژیم که عموماً معطوف به حمایت از یک جناح رژیم است را در پیش می‌گیرند. موضع گیری وزیر خارجه آمریکا بر همین سیاست منطبق است، هر چند کسان دیگری در دستگاه دولتی آمریکا (امثال رامسفلد) پیرو سیاست تغییر رژیم اند.

جمهوری اسلامی و سران آن نیز که حسابی از تحولات جاری در منطقه ترسیده اند، به همان نسبت که در برابر مردم زحمتکش ایران، موضعی سخت‌گیرانه، خشونت بار و تهاجمی اتخاذ کرده‌اند، در برابر این دولت -ها به موضعی نرم جویانه و کاملاً دفاعی افتاده‌اند. آنان برای حفظ منافع و موقعیت خویش و برای ادامه حیات رژیم ننگین خویش، بیش از پیش آماده‌ی هرگونه زد و بند و سازش علیه مردم و علیه منافع مردمند. مردم زحمتکشی، که هیچ راه دیگری ندارند جز آن که با اتکاء به نیروی متحد خویش و مستقل از این دولت‌ها که بعضی از نیروهای ضد انقلاب به آنها چشم دوخته بودند، برای نابودی رژیم جمهوری اسلامی بپا خیزند و آن را برای همیشه به گور بسپارند. انقلاب توده‌ای که طلیعه‌های آن دنیای ارتجاع و سرمایه را، سخت به وحشت و تکاپو انداخته است، یگانه راه نجات توده زحمتکش مردم از شر رژیم جمهوری اسلامی و درهم پیچی نظم موجود است.

نگاه کوتاهی به جنبش دانشجویی ایران و راهکاری برای نیرومندتر شدنش

متراکم توده‌ای در شورش‌هایی در این جا و آن جا، از جمله مشهد و قزوین، سر برون آورد و به تبع آن جنبش دانشجویی نیز دور تازه‌ای از پویایی و حرکت رو به جلوی خود را آغاز نمود.

بدیهی ست که رژیم جمهوری اسلامی نیز نمی‌توانست بی‌کار بنشیند و از آن جایی که تب و تاب دانشگاه‌ها را به خوبی حس کرده بود، اقدامات سرکوب‌گرانه‌ی «پیشگیرانه‌ی» را در دستور کار قرار داد. یکی از این اقدامات، ۹ ماه پیش از خیزش پرشکوه دانشجویی ۱۸ تیر ۱۳۷۸، به تصویب مجلس ارتجاع اسلامی رسید. روز دوازدهم مهر ۱۳۷۷ بود که این مجلس «طرح گسترش بسیج دانشجویی» را به تصویب رساند. براساس این طرح، دانشگاه‌ها می‌بایستی بیش از گذشته میلیتاریزه می‌شد. سازمان بسیج دانشجویی وابسته به سپاه پاسداران به منظور «آموزش و سازماندهی دانشجویان و استادان جهت دفاع از دست آورده‌های انقلاب اسلامی و بسط تفکر بسیجی» می‌بایستی در کلیه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به ایجاد «بسیج دانشجویی» اقدام می‌کرد. در واقع این طرح که یک سال و اندی پس از ریاست جمهوری خاتمی به تصویب رسید، قرار را برای گذارده بود که ضمن نظامی کردن بیشتر، یک مجوز رسمی و قانونی برای تقویت دستگاه سرکوب و جاسوسی در دانشگاه‌ها برپا کند.

امروز خوب می‌دانیم که اقداماتی از این قبیل نتوانست جلوی پیشروی جنبش دانشجویی را بگیرد. چنان که از ۱۸ تیر ۱۳۷۸، دانشجویان پنج روز پی در پی ارکان رژیم را به لرزه در آوردند و با شعارهایی چون «انصار جنایت می‌کند، رهبر حمایت می‌کند»، «خامنه‌ای حیا کن» سلطنت را رها کن» و «۱۸ تیر امسال ۱۶ آذر ماست» رژیم جمهوری اسلامی و شاه را مقایسه کرده و سرکوبگری هر دو را یادآوری نمودند. جنبش دانشجویی در ۱۸ تیر ۴ سال پیش به خوبی ظرفیت توده‌ای شدن و سراسری گشتن خود را نشان داد. آن گاه که دانشجویان کوی دانشگاه تهران به خیابان کارگرشمالی آمدند، هزاران تن از مردم به آنها پیوستند و یک‌باره شعارهایشان نیز در این پیوند رادیکال‌تر شد؛ از جمله «توپ، تانک، بسیجی، دیگر اثر ندارد» «مردم» قیام شروع شده، ۲۰ سال سکوت تمام شده» و «مرگ بر این حکومت آخوندی». یکی دو روز بعد نیز گستره‌ی تظاهرات به تبریز، مشهد، رشت، اصفهان، شیراز و چند شهر دیگر رسید.

هرچند که رژیم جمهوری اسلامی توانست با سرکوب و بگیر و ببند از سویی و گسیل نمودن برخی از دوزخ خردادی‌ها به دانشگاه‌ها و بهره گرفتن از تشکلات دانشجویی اش چون دفتر تحکیم وحدت از سوی دیگر جنبش ۱۸ تیر را

موقتا به عقب براند اما همان طور که همگان شاهد بودیم جنبش دانشجویی درخیزی‌نویں در ۲۰ خرداد به میدان آمد و این بار نه پنج روز که ده روز بر رژیم جمهوری اسلامی تاخت. جنبش خرداد ماه دانشجویان از همه لحاظ ارتقاء یافته بود. شعارها دیگر بیشتر علیه جناح ولایت فقیه و خامنه‌ای نبود و علنا و آشکارا کل رژیم را نشانه می‌گرفت. جنبش این بار به سرعت به شهرهای بزرگ دیگر و حتا شهرهای کوچک‌تر نیز سرایت کرد و از تاکتیک‌های جدیدی، چون تظاهرات شبانه، استفاده کرد. ظرفیت جنبش برای مقابله با اتهامات رژیم و هم‌چنین بخشی از اپوزیسیون بورژوازی بسیار بالا بود. همین که سران رژیم «عوامل اغتشاشات» را امپریالیسم آمریکا یا رسانه‌های تصویری سلطنت طلب وابسته به آن معرفی کردند، دانشجویان و مردم با این اتهامات ابلهانه توسط شعارهایی چون «این جنبش دانشجویی ست، نه جنبش آمریکایی» و شعارهای مقایسه‌ای چون «خامنه‌ای حیا کن» سلطنت را رها کن» یا «مرگ بر شاه» مرگ بر شاه، اکبر شاه» مقابله کردند. جنبش خرداد ۱۳۸۲ هم چنین پاسخ دندان شکنی به رژیم بود که دیگر نمی‌تواند با سرکوب و کشتار جلوی روند سرنگونیش را بگیرد. در مهر ۱۳۷۸ و فقط در یک نمونه، بیدادگاه رژیم در تبریز ۲۱ تن را از ۳ ماه، تا ۹ سال به حبس محکوم کرد که هنوز نیز برخی از آنان در زندان به سر می‌برند.

از ۱۸ تیر ۷۸ تا ۲۰ خرداد ۸۲ جنبش دانشجویی ایران گام‌های بزرگی را به سوی استقلال از گروه‌های وابسته به جناح‌های حکومتی برداشته است. دفتر تحکیم وحدت مدتهاست که شرمش می‌آید تا نام کامل خود، یعنی دفتر تحکیم وحدت حوزه و دانشگاه، را بیان کند. در این دفتر انشعاب رخ داده و اندک نفوذی را که در برخی از دانشجویان داشته از دست داده است. رسوایی این تشکل به حدی بالا گرفته که برخی از سرانش قصد آن دارند که حتا نام خود را از دفتر تحکیم وحدت به دفتر تحکیم دمکراسی (یعنی از نوع دینی!!) تغییر دهند. به هر حال، چه دفتر تحکیم وحدت نامش را تغییر بدهد یا نه، از نظر دانشجویان تشکلی وابسته به حکومت و دستگاهی برای تحمیل و جاسوسی در میان دانشجویان باقی خواهد ماند. با تمام گام‌های مثبتی که جنبش دانشجویی ایران به ویژه از ۴ سال پیش بدین سو برداشته است، اما خیزش ۲۰ خرداد نشان داد که این جنبش باز هم از نیرومندی کافی برخوردار نیست. برخی از اعتراضات دانشجویی که پس از سرکوبگری رژیم آغاز شدند، از جمله اعتصاب غذا در دانشگاه‌های مختلف، گواهی ست بر این مدعا. اعتصاب غذای دانشجویان اصفهان در

اعتراض به دستگیری‌ها و برای آزادی همه‌ی دستگیر شدگان پس از دیدار آیت الله طاهری، امام جمعه مستعفی این شهر، مختومه اعلام شد. آخوندی به نام عبایی خراسانی، نماینده دوم خردادی مشهد در مجلس ارتجاع اسلامی، روز ۱۳ تیر به خبرگزاری فارس گفت: «خواسته اعتصاب کنندگان در دانشگاه مشهد، که همه دانشجویان در بند آزاد شوند» خواسته درستی نیست بلکه دانشجویان باید خواهان سرعت عمل دستگاه قضایی برای رسیدگی به پرونده دانشجویان شوند. «همین آیت‌الله مردم فریب در همان روز به خبرگزاری دانشجویان ایران گفت: «از دانشجویان می‌خواهم که به اعتصاب غذای خود پایان دهند.» قطعا اعتصاب غذای دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد به درخواست عبایی خراسانی پایان نیافت، اما از آن جایی که این اعتصابات به نام انجمن‌های اسلامی، زیر نفوذ دوم خردادی‌ها، برگزار می‌شد، پایان آن‌ها هم نمی‌توانست بدون فشار این تشکلات همراه نباشد که به همراه تشکلات وابسته به جناح دیگر تنها تشکلات «قانونی» در جمهوری اسلامی هستند.

به نظر می‌رسد که جنبش دانشجویی نیز مانند جنبش کارگری و جنبش‌های دیگر زحمتکشان ایران هم چون معلمان و پرستاران و غیره چاره‌ای ندارد که هر چه سریع‌تر در اندیشه تشکلات کاملاً مستقل خود باشد. اما واضح است که این تشکلات مستقل نمی‌توانند «قانونی» باشند و می‌بایستی به شکل کمیته‌های اقدام و مخفی شکل بگیرند. نمونه این کمیته‌ها در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ شکل گرفتند و کارآیی خود را به خوبی نشان دادند. بدون متشکل شدن در کمیته‌های اقدام و اعتصاب مخفی، یا در مرحله‌ای تشکلات علنی در لفافه حرکت‌های فرهنگی و ورزشی، امکان استقلال از تشکلات موجود که همگی وابسته به حکومت هستند به هیچ وجه مقدور نیست. کمیته‌های اعتصاب و اقدام تشکلاتی هستند که در روند سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی خواهند توانست به شورا‌های کارگران، دانشجویان، معلمان و تمامی زحمتکشان ایران ارتقاء یابند و خود به تصمیم‌گیری و اجرای تمام امور اجتماعی بپردازند و این نوعی از دمکراسی مستقیم است که امروز کمونیست‌های ایران به نام حکومت شورایی از آن دفاع می‌کنند و برای استقرارش در ایران مبارزه می‌نمایند.

آری، جنبش دانشجویی ایران مانند بقیه جنبش‌های اجتماعی کشور جنبشی درخود و برای خود نیست. این جنبش، جنبشی ست ملهم از و الهام دهنده به جنبش‌های دیگر اجتماعی و به ویژه کارگری. دانشجویان ایران در سال‌های اخیر به درستی و بارها شعار «کارگر، دانشجوی، اتحاد، اتحاد» را تکرار کرده‌اند. در این صورت هیچ دلیلی ندارد که جنبش دانشجویی از برخی انواع و شکل‌های تشکل‌هایی که مختص کارگران است استفاده نکند تا بتواند متحدان مبارزه کند و پیروز شود.



خلاصه ای از اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های سازمان

«یورش وحشیانه نیروهای سرکوب به دانشگاه کردستان» عنوان اطلاعیه‌ای است که در تاریخ ۱۳۸۲/۴/۱۴ توسط سازمان انتشار یافت. در این اطلاعیه گفته شده است که نیروهای ضد شورش رژیم شب گذشته دانشگاه کردستان را مورد یورش مسلحانه قرار دادند که در نتیجه آن یک دانشجو کشته، ۴ تن در اثر اصابت گلوله روانه بیمارستان شده و ۱۵۰ تن بازداشت شده‌اند. اطلاعیه سازمان با محکوم کردن این اقدام سرکوبگرانه، می‌افزاید که در طول دو هفته گذشته، حداقل ۶ تن از دانشجویان و تظاهر کنندگان به قتل رسیده‌اند. دهها تن در اثر گلوله مجروح و مصدوم شده‌اند و حدود ۴ تا ۵ هزار نفر بازداشت شده‌اند.

در تاریخ ۱۳۸۲/۴/۷ کارگران و کارکنان شرکت ملی گاز در اعتراض به خصوصی سازی این شرکت در برابر در ورودی وزارت نفت اجتماع نموده و تحصن کردند. سازمان ما در این روز اطلاعیه‌ای تحت عنوان «تجمع اعتراض آمیز کارگران در برابر وزارت نفت» انتشار داد.

اطلاعیه می‌گوید که کارگران شرکت گاز متحصن در برابر وزارت نفت، ضمن ابراز مخالفت شدید با واگذاری این شرکت، نسبت به بلاتکلیفی خود نیز اعتراض دارند و خواستار ضمانت شغلی می‌باشند. این اطلاعیه می‌افزاید، در عین حال روز گذشته، کارگران کوره پزخانه محمودآباد خاورشهر نیز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خویش دست به اعتراض زدند و خواهان پرداخت مطالبات معوقه خود شدند. اطلاعیه سازمان، در پایان از مطالبات کارگران شرکت گاز و کارگران کوره پزخانه حمایت نموده و از کارگران سایر واحدها به ویژه کارگران نفت دعوت می‌کند که به این اعتراضات بپیوندند و از آن حمایت کنند.

تشکیلات خارج کشور سازمان، در تاریخ ۹ ژوئیه، پیامی خطاب به شورای هماهنگی نیروهای چپ و کمونیست در استکهلم انتشار داد. تشکیلات خارج کشور سازمان، در این پیام، از سوی همه فعالان و هواداران سازمان به رفقای شورای هماهنگی نیروهای چپ و کمونیست در استکهلم که از روز ۲۸ ژوئن، در لوکال حزب چپ سوئد دست به تحصن زده تا از مبارزات کارگران، دانشجویان، معلمان و عموم زحمتکشان پشتیبانی نمایند، درود فرستاده و از مبارزات آنها حمایت نموده است. در این پیام با اشاره به موفقیت‌های این اقدام اعتراضی به ویژه در جلب حمایت اتحادیه‌های کارگری از مبارزات کارگران ایران و دیدار با نماینده بین‌المللی اتحادیه سراسری کارگران سوئد، به تظاهراتی اشاره شده است که قرار است روز ۹ ژوئیه (۱۸ تیر) در برابر سفارت جمهوری اسلامی، از سوی شورای هماهنگی استکهلم برگزار گردد.

در پایان این پیام نیز، با مبارزات و مطالبات شورای هماهنگی نیروهای چپ و کمونیست در استکهلم اعلام همبستگی شده و برای آنها آرزوی موفقیت شده است.

در همین رابطه، واحد سازمان در سوئد نیز با صدور اطلاعیه‌ای از تحصن شورای هماهنگی نیروهای چپ و کمونیست در استکهلم حمایت نموده است. در این اطلاعیه، ضمن اشاره به گسترش اعتراضات توده‌ای، بن بست سیاسی اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی و ضرورت سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی به عنوان یگانه راه حلی که در برابر توده مردم قرارداد، از جمله آمده است: در شرایطی که صدای حق طلبانه کارگران از هیچ بلندگویی به گوش نمی‌رسد، در شرایطی که دولت‌های امپریالیستی و اپوزیسیون بورژوازی ایران، سعی دارند تا تنها صدای موجود را صدای جریان‌ات راست بورژوازی معرفی کنند، شما با حرکت اعتراضی خود سعی نمودید صدای مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران و خواست‌هایشان را به گوش جهانیان برسانید.

واحد سوئد سازمان، در پایان اطلاعیه، از نیروهای انقلابی دعوت کرده‌است از این اقدام حمایت نموده و فعالانه در آن شرکت کنند.

رفیق الف — پویان، دو قطعه شعر برای نشریه‌کار فرستاده‌اند. با سپاس از رفیق به خاطر ارسال این سروده‌ها، در زیر یکی از این اشعار را درج می‌کنیم.

این شعر در سال ۶۳ و در زندان قزلحصار سروده شده است.

«پیام آوران بهاران»

در پهن دشت میهن من

فوج فوج کبوتران سپید

بی آنکه آشیانه بسازند

بی آنکه، فرصتی یابند

تاعشق را، بریلندای زمانه نشانند

با فریادهای به خون نشسته‌شان

بالای دار می‌روند

اینان، پیام آوران بهاراند

که این گونه، بیقرار

گل می‌دهند، در دشت خونین میهن من

اینان، پیام آوران بهاراند

که این گونه شادمانه، لبخند می‌زنند

و بذر رهایی را

با گام‌های استوار

در سرزمین زخمی من می‌افشانند

تا باور کنیم، سپیده‌های بلند را

در پس شبانه‌های دراز

سازمان فدائیان (اقلیت) چه می گوید و چه می خواهد، سازمان های سیاسی طرفدار نظام سرمایه داری چه می گویند و چه می خواهند؟

جمهوری اسلامی به واپسین لحظات حیات ننگین اش نزدیک شده است. توده های مردم ایران باردیگر به پا خاسته اند تا با برانداختن رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، به اهداف و مطالبات خود جامه عمل پوشند.

اکنون زمان آن فرارسیده است که کارگران و زحمتکشان و همه ستمدیدگان، درس های بزرگی را که انقلاب ۱۳۵۷ آموخت به یاد آورند و در عمل به کار بندند تا ثمره تلاش مبارزه و جانفشانی شان مجدداً برپا شود. باید از هم اکنون هوشیار بود. به وعده و وعید نباید اعتماد کرد. کارگران و زحمتکشان، زنان و جوانانی که تمام بار انقلاب آتی ایران بر دوش آنهاست، باید آگاهی و شناخت روشنی از برنامه، اهداف و سیاست های احزاب، سازمان ها و شخصیت های سیاسی که خود را مخالف رژیم جمهوری اسلامی معرفی می کنند داشته باشند و ببینند که آنها چه می گویند، چه می خواهند و از منافع کدام طبقه دفاع می کنند. این درس بزرگ انقلاب ۱۳۵۷ هرگز نباید فراموش شود که سرنگونی رژیم سیاسی به تنهایی برای تحقق مطالبات توده های مردم کافی نیست. این که قدرت سیاسی در دست کدام طبقه قرار خواهد گرفت، سرنوشت جنبش کنونی، انقلاب آتی و مطالبات توده های مردم ایران را تعیین خواهد کرد.

اهداف و برنامه فوری

سازمان فدائیان (اقلیت) چه می گوید و چه می خواهد؟

سازمان فدائیان (اقلیت) که مدافع منافع طبقه کارگر و از موضع این طبقه، مدافع منافع و خواست های عموم توده های زحمتکش و ستمدیده است، برای برانداختن نظام سرمایه داری و استقرار یک جامعه سوسیالیستی مبارزه می کند. هدف فوری سازمان فدائیان (اقلیت) سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت شورایی در ایران است که به فوریت مطالبات آزادی خواهانه و دموکراتیک، اجتماعی و رفاهی توده های مردم را متحقق خواهد ساخت. از ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ که سازمان چریک های فدایی خلق ایران پایه گذاری شد، تا به امروز، سازمان ما همواره برای تحقق اهداف و آرمان های انسانی آزادی خواهانه و سوسیالیستی به مبارزه ادامه داده و ادامه خواهد داد.

انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی

سازمان فدائیان (اقلیت) همواره بر این عقیده بوده است که با وجود جمهوری اسلامی نه تنها هیچ بهبودی در وضعیت توده های زحمتکش مردم و تحقق مطالبات آنها ممکن نیست، بلکه مادام که این رژیم به حیات خود ادامه می دهد، مدام وضع وخیم تر خواهد شد.

لذا پیوسته بر این حقیقت تأکید کرده است که راه نجات مردم ایران از شر فجایعی که جمهوری اسلامی به بار آورده است و تحقق مطالبات آنها، جز از طریق یک انقلاب، سرنگونی تام و تمام جمهوری اسلامی و درهم شکستن تمام دستگاه دولتی موجود که ابزار ستم و سرکوب طبقه حاکم برای در انقیاد نگهداشتن توده های مردم است و بدون انتقال قدرت سیاسی به کارگران و زحمتکشان متشکل شده در شوراها و تغییرات ریشه ای و رادیکال ممکن نیست.

از همین رو سازمان فدائیان (اقلیت) که در طول تمام دوران موجودیت جمهوری اسلامی، مخالف پیگیر این رژیم بوده است، نخستین سازمانی بود که با به قدرت رسیدن خاتمی، اعلام کرد که آنچه وی می گوید، جز یک وعده و وعید توخالی نیست و در چارچوب جمهوری اسلامی، امکان اصلاحات و تحقق خواست های فوری مردم وجود ندارد.

اکنون که این حقیقت بر همگان آشکار شده است، بار دیگر تأکید می کنیم که بدون سرنگونی جمهوری اسلامی از طریق یک انقلاب، بدون درهم شکستن دستگاه دولتی موجود و بدون انتقال قدرت سیاسی به توده های کارگر و زحمتکش متشکل شده در شوراها، تحقق خواست های توده های مردم ایران ممکن نیست.

صفحه ۶

سازمان های طرفدار نظام سرمایه داری چه می گویند و چه می خواهند؟

احزاب و سازمان های سیاسی مدافع و طرفدار نظام سرمایه داری که از منافع سرمایه داران و ملاکین دفاع می کنند، از دو گروه سلطنت طلب و جمهوری خواه تشکیل شده اند. این سازمان ها، مدافع نظام اقتصادی - اجتماعی موجودند که در آن، اصلی ترین وسائل تولید و توزیع، در تملک طبقه سرمایه دار و دولت پاسدار منافع آنها قرار دارد، در حالی که اکثریت عظیم مردم یعنی کارگران، ناگزیرند نیروی کار خود را به سرمایه داران بفروشند، استثمار شوند و سودهای هنگفت برای سرمایه داران ایجاد کنند. در چنین جامعه ای ست که سرمایه و ثروت در یک قطب و فقر و بدبختی در قطب دیگر انباشت شده است. در شرایط کنونی که جمهوری اسلامی به واپسین لحظات حیات ننگین اش رسیده است، این سازمان ها، هدف فوری خود را جلوگیری از وقوع یک انقلاب و انتقال قدرت سیاسی به توده های کارگر و زحمتکش قرار داده اند. برخی از این سازمان ها با وعده اصلاحات محدود برای رسیدن به این اهداف تلاش می کنند.

رفراندم و اصلاحات محدود

احزاب و سازمان های مدافع نظام سرمایه داری، همواره در تلاشند مردم را از انقلاب برحذر دارند. آنها از انقلاب می ترسند، چرا که انقلاب، طغیان ستمدیدگان علیه ستمگران است. تعرضی آشکار به نظم ستمگرانه سرمایه داری است.

این سازمان ها، چندین سال در مورد امکان اصلاحات در چارچوب رژیم جمهوری اسلامی توهم پراکنی کردند. اکنون نیز که توده های وسیع مردم پی برده اند که با وجود جمهوری اسلامی، تحقق مطالبات آنها ممکن نیست، به منظور مهار جنبش توده ای، شعار رفراندم را علم کرده اند تا مانع انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی شوند.

آنها با طرح این شعار، اولامی کوشند، مجدد این توهم را ایجاد کنند که گویا، رژیم جمهوری اسلامی تابع رأی مردم خواهد شد و دریک رفراندم به خواست آنها گردن می نهد. ثانیاً - هدف مهم تر آنها این است که مانع انقلاب شوند، ابتکار عمل را از توده های مردم بگیرند و قدرت سیاسی به شکلی مسالمت آمیز و بدون این که به دستگاه ستم و سرکوب دولتی سرمایه داران آسیبی وارد آید، از یک جناح سرمایه داران به جناحی دیگر از آن منتقل گردد. بنابراین روشن است که چرا تمام احزاب و سازمان های طرف دار نظم سرمایه داری، از سلطنت طلب، جمهوری خواه، ملی گرا، مشارکتی و مجاهدین انقلاب اسلامی گرفته تا چپ های لیبرال، همه یک صدا شعار رفراندم را سر می دهند.

صفحه ۶

مجلس مؤسسان

سازمان‌های مدافع نظام سرمایه‌داری، ظاهراً ادعا می‌کنند که مردم ایران حق دارند در مورد نظام سیاسی آینده کشور تصمیم بگیرند.

آنها می‌گویند که چنانچه جمهوری اسلامی در یک فرآیند از سوی مردم طرد شود، یا به هر حال تحت شرایطی سرنگون گردد، مجلس مؤسسانی تشکیل خواهد شد که نظام آینده کشور را تعیین خواهد کرد. اما نخستین سئوالی که مطرح می‌شود، این است که چه کسی این مجلس مؤسسان را فرامی‌خواند؟ پاسخ می‌دهند که چاره‌ای نیست، جز این که عده‌ای غیر منتخب مردم از افراد سرشناس، یک حکومت موقت تشکیل دهند و این ارگانی است که انتخابات را برگزار و مجلس مؤسسان را تشکیل می‌دهد.

خوب که دقت کنیم، می‌بینیم که طرح آن‌ها درست عین ماجرای به قدرت رسیدن خمینی و جمهوری اسلامی است. در آن زمان نیز خمینی و طرفداران او به عنوان سرپرست و قیم مردم، یک حکومت موقت منصوب کردند و گفتند که حکومت موقت، مجلس مؤسسان را تشکیل می‌دهد که نظام آینده کشور را تعیین نمایند. اما آنها که پیشاپیش قدرت را قبضه کرده بودند و ارگان‌های خود را ایجاد نمودند، یک روز از مردم خواستند که به پای صندوق‌های رأی بروند و نمایندگان خود را انتخاب کنند. بدیهی بود که آنها با در دست داشتن قدرت و تمام امکانات مادی و تبلیغاتی، نمایندگان خود را برکسی بنشانند و مجلس خبرگان خود را تشکیل دهند. بعد هم به مردم گفتند، خوش آمدید به خانه‌های خود بازگردید و نمایندگانانتان تصمیم لازم را خواهند گرفت.

وقتی هم که مردم دیدند، از درون مجلس مؤسسان موعود، مجلس خبرگان ارتجاع اسلامی با مصوباتی فوق ارتجاعی درآمد است، دیگر دستشان از همه جا کوتاه‌بود. اکنون نیز می‌خواهند همین ماجرا را تکرار کنند.

مجلس مؤسسان، نهادی متعلق به نظام سرمایه‌داری است. در خدمت طبقه سرمایه دار قرارداد و از درون آن چیزی جز تثبیت قدرت سیاسی مرتجعین و سلب قدرت از توده‌های کارگر و زحمتکش در نخواهد آمد.

دمکراسی پارلمانی

احزاب و سازمان‌های طرف دار نظم سرمایه‌داری که سال‌ها مجری وحامی سیاست‌های طبقه سرمایه‌دار، از طریق اختناق و سرکوب و برقراری دیکتاتوری عریان در ایران بوده‌اند، اکنون که مردم برای سرنگونی رژیم ضد دمکراتیک و ضد انسانی جمهوری اسلامی به پا خاسته‌اند، وعده برقراری یک دمکراسی پارلمانی را به مردم ایران می‌دهند. دمکراسی پارلمانی به عنوان دمکراتیک‌ترین شکل حاکمیت طبقه سرمایه‌دار، به این معناست که به مردم این حق داده می‌شود که مثلاً هر چهار سال یک بار پای صندوق رأی گیری بروند و آزادانه نمایندگان را برای مجلس انتخاب کنند و یا یک رئیس جمهور برگزینند.

در دمکراسی پارلمانی ظاهراً مردم آزادند که به هرکس می‌خواهند رأی دهند و هر شهروندی یک رأی دارد. این ظاهر قضیه است، در عمل چنین نیست. سرمایه‌داران، قدرت دولتی را در اختیار دارند. امکانات مالی وسیعی دارند. وسایل و امکانات تبلیغاتی و شکل دهی به افکار عمومی از جمله، رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها و مجلات در انحصار آنهاست، که قادرند چنان به افکار عمومی شکل دهند که بدون این که نیازی به تقلب‌های انتخاباتی، تهدید و فشار داشته باشند، نمایندگان مورد نظر خود را برکسی‌های مجلس بنشانند و یا رئیس جمهور مورد نظر خود را در رأس قدرت اجرایی قرار دهند.

در دمکراسی پارلمانی، احزاب متعددی وجود دارند که هنگام انتخابات به مردم وعده و وعیدهای زیادی می‌دهند، اما به جز احزاب وابسته به طبقه کارگر، هنگامی که نمایندگان این احزاب، انتخاب شدند، وعده‌های خود را فراموش می‌کنند و به آنچه عمل می‌کنند که منافع طبقه سرمایه‌دار ایجاد می‌نماید. از آنجایی که در دمکراسی پارلمانی، حق فراخوانی از مردم سلب شده است و آنها نمی‌توانند نماینده‌ای را که خود انتخاب کرده‌اند معزول کنند، لذا دستشان از همه جا کوتاه است و باید منتظر به پایان رسیدن دوره نمایندگی چهارسال وی شوند.

کنگره سراسری شوراهای نمایندگان کارگران و زحمتکشان شهر و روستا

سازمان فدائیان (اقلیت) که مدافع حاکمیت کامل توده‌های زحمتکش مردم ایران بر سر نوشت خویش و انتقال تمام قدرت به توده‌های کارگر و زحمتکش است، خواهان تشکیل کنگره سراسری شوراهای نمایندگان کارگران و زحمتکشان شهر و روستا به منظور تصمیم گیری در مورد نظام آینده کشور است. توده‌های مردمی که در جریان برانداختن جمهوری اسلامی، ارگان‌های اقتدار خود را نظیر شوراهای درکارخانه‌ها و محلات، ایجاد می‌کنند، تنها قدرت صاحب صلاحیت برای تشکیل ارگانی هستند که باید نظام آینده کشور را تعیین و به عنوان عالی‌ترین ارگان، تصمیم گیری کند. توده‌های کارگر و زحمتکش، دیگر نیازی به سرپرست و قیمی که حکومت موقت برای آنها تشکیل دهد و یک روز هم از آنها بخواهد که به پای صندوق رأی گیری بیایند و نمایندگان را برای مجلس مؤسسان انتخاب کنند، ندارند.

شوراهایی که از پائین‌ترین سطوح، در کارخانه‌ها، مؤسسات خدماتی و فرهنگی، پادگان‌ها، محلات، روستاها تشکیل می‌شوند و مردم با شناخت و آگاهی کامل، نمایندگان خود را برای عضویت در این شوراهای انتخاب می‌کنند، قادرند به عنوان ارگان‌های انتخابی ذی صلاح، زمام امور کشور را به دست گیرند و با تشکیل کنگره‌ای سراسری از شوراهای نمایندگان در مورد نظام آینده کشور نیز تصمیم گیری کنند.

کنگره شوراهای نمایندگان کارگران و زحمتکشان شهر و روستا به عنوان عالی‌ترین ارگان تصمیم گیرنده کشور، نه فقط از این جهت که مردم با شناخت و آگاهی کامل، نمایندگان خود را از پائین‌ترین سطوح برگزیده‌اند، تبلور خواست و اراده توده مردم است، بلکه این حق را برای موکلین محفوظ می‌دارد که در هر لحظه احساس کنند نمایندگانشان، از خواست و اراده آنها عدول کرده‌اند، آنها را معزول و نمایندگان دیگری را به جای آنها برگزینند.

دمکراسی شورایی

سازمان فدائیان (اقلیت) از استقرار یک دمکراسی مستقیم دفاع می‌کند که عالی‌ترین و کامل‌ترین شکل دمکراسی است.

در این نوع از دمکراسی، توده‌های کارگر و زحمتکش مستقیماً اعمال حاکمیت می‌کنند، سیستم انتصابی مقامات به کلی برمی‌افتد و کلیه مناصب و مقامات دولتی از صدر تا ذیل، انتخابی و در هر لحظه قابل عزل هستند. ارگان‌های اعمال حاکمیت و دمکراسی مستقیم که مردم ایران با آنها آشنایی دارند، شوراهای هستند.

توده‌های مردم در شهرها و روستاها، در هر جایی که کار می‌کنند و نیز در محل زندگی‌شان، نمایندگان مورد اعتماد و شناخته شده خود را از میان خودشان انتخاب می‌کنند و با تشکیل شوراهای، رتق و رتق امور را در دست می‌گیرند. این شوراهای نمایندگان مردم کارگر و زحمتکش، در سطح روستاها، شهرها، استان‌ها و مناطق به ارگان‌های عالی‌تری شکل می‌دهند که اداره امور را در آن منطقه بر عهده می‌گیرند. در بالاترین سطح، کنگره سراسری شوراهای نمایندگان تشکیل می‌شود که بالاترین ارگان تصمیم گیرنده کشور خواهد بود.

در یک چنین دمکراسی، دیگر نیازی به بوروکراسی و نیروهای مسلح مجزا از مردم و مافوق آنها نیست. توده‌های مردم خود مستقیماً اداره امور کشور را بر عهده می‌گیرند و به رتق و رتق امور روز مره خود می‌پردازند. نیروهای مسلح حافظ این دمکراسی، نیز خود توده‌های مردم تحت اتوریته شوراهای هستند. در دمکراسی شورایی برخلاف دمکراسی پارلمانی که مجلس، مرکز و راجی و سخنرانی است و تصمیمات اصلی کشوری را بوروکراسی و مقامات انتصابی می‌گیرند، شوراهای از قدرت تام و تمام برخوردارند. چرا که در آن واحد هم از قدرت قانون‌گذاری برخوردارند و هم اجرایی.

در دمکراسی شورایی، دیگر به فردی به نام رهبر و رئیس جمهور و وزرای انتصابی

سازمان های طرفدار نظام سرمایه داری چه می گویند و چه می خواهند؟

در دموکراسی پارلمانی، سیستم انتخابی مقامات در همین حدود و تا اندازه ای در سطح محلی، محدود می ماند. بقیه مقامات و صاحب منصبان کشوری و لشکری، همه انتصابی اند و جزء لاینفک و همیشگی دستگاه بوروکراتیک. نکته مهم اما در این است که در یک دموکراسی پارلمانی، قدرت واقعی در دست ارگان ها و نهادهای ظاهراً انتخابی نیست. بلکه در دست یک بوروکراسی حرفه ای با تجربه، ممتاز و کاملاً جدا از مردم است که امور کشور را اداره می کند و در کنار آن نیروهای مسلح حرفه ای مجزا از مردم قرار گرفته اند که در رأس آنها نیز فرماندهان عالی رتبه انتصابی قرار دارند. احزاب و نمایندگان منتخب ولو چپ ترین آنها می آیند می روند، بدون این که چیزی تغییر کند. چون در واقع قدرت در جای دیگری ست. در حقیقت امر، دموکراسی پارلمانی، یک دموکراسی برای اقلیت ثروتمند و سرمایه دار است و نه برای توده های وسیع کارگر و زحمتکش و ستمدیده که اکثریت مردم را تشکیل می دهند.

آزادی های سیاسی محدود و ناقص

سازمان های سیاسی طرفدار نظم سرمایه داری به مردم وعده می دهند که در پی کنار رفتن جمهوری اسلامی، آزادی های سیاسی و حقوق دموکراتیک مردم را به رسمیت خواهند شناخت. تجربه، اما در دوران رژیم سلطنتی و جمهوری اسلامی به مردم ایران نشان داده است که طبقه سرمایه دار حاکم بر ایران، از آنجایی که مورد نفرت توده های کارگر و زحمتکش مردم ایران قرار دارد، همواره از آن می ترسد که کارگران و زحمتکشانشان ایران از این آزادی برای متشکل شدن و آگاه شدن استفاده کنند و حاکمیت طبقاتی آن را براندازند. لذا در تمام دوران حاکمیت خود، با برقراری دیکتاتوری های عریان در ایران و سلب آزادی های سیاسی بر مردم حکومت کرده است. این که اکنون آنها وعده دموکراسی پارلمانی و آزادی های سیاسی را به مردم می دهند، یک وعده وادعاست. با این همه حتی در یک دموکراسی پارلمانی نیز که ظاهراً مردم از آزادی های سیاسی برخوردارند، نه فقط حاکمیت سرمایه و ثروت مانع از آن می گردد که اکثریت عظیم مردم از این آزادی ها برخوردار شوند، بلکه همواره این آزادی ها با دهها قید و شرط و اما و مگر محدود شده اند. دموکراسی پارلمانی به ویژه در دورانی که طبقه سرمایه دار در مقیاس جهانی به یک طبقه ارتجاعی تبدیل شده است به نحو روزافزونی، با محدودتر شدن آزادی های سیاسی همراه است.

تلفیق پوشیده دین و دولت

فجایی که تلفیق آشکار دین و دولت در جمهوری اسلامی به بار آورده است، سبب شده است که تقریباً عموم سازمان های مخالف جمهوری اسلامی، خود را مدافع جدایی دین از دولت معرفی کنند. استثناء در این مورد سازمان مجاهدین خلق و برخی دیگر از گروه های ملی - مذهبی هستند که هنوز هم از استقرار یک حکومت اسلامی دفاع می کنند. اما تقریباً تمام احزاب و سازمان های سلطنت طلب و جمهوری خواه، به رغم این که خود را مدافع جدایی دین از دولت معرفی می کنند، در واقعیت امر، مدافع تلفیق پوشیده دین و دولت، نظیر آن چیزی هستند که در دوران رژیم سلطنتی در ایران وجود داشت. از کجا می توان به این مسئله پی برد؟ از این واقعیت که آنها دین و مذهب رسمی را نفی نمی کنند. در حالی که جدایی دین از دولت دقیقاً به این معناست که دولت، هیچ دین و مذهبی را به عنوان دین رسمی کشور به رسمیت نشناسد. چرا که اگر یک دین، به عنوان مذهب رسمی کشور به رسمیت شناخته شود، به این معناست که امتیاز ویژه ای برای یک مذهب خاص وجود دارد. لذا باید در قوانین کشور و عملکرد دولت، هم قواعد و مقررات این دین رسمی در نظر گرفته شود، و هم رابطه معینی، گیریم به شکل پوشیده بین دولت و دستگاه روحانیت وجود داشته باشد. بنابراین به رسمیت شناختن یک دین رسمی به این معناست که بریک نابرابری میان کسانی که به دین رسمی معتقدند و آنهایی که دینی سواي دین رسمی کشور دارند و یا اصلاً دین ندارند، صحنه گذاشته شده است. در عین حال به رسمیت شناختن این دین رسمی به معنای محدود کردن آزادی های سیاسی به بهانه مغایرت با موازین مذهبی و سلب حقوق دموکراتیک مردم از جمله در مورد زنان است که دین

سازمان فدائیان (اقلیت) چه می گویند و چه می خواهند؟

نیازی نیست. رهبری در تمام سطوح جمعی ست. در بالاترین سطح دموکراسی شورایی، رهبری جمعی از طریق کنگره سراسری شوراهای نمایندگان و کمیسیون های اجرایی آن انجام می گیرد. دموکراسی شورایی به معنای مشارکت و مداخله عموم توده های زحمتکش مردم از زن و مرد، در اداره امور کشور است، لذا برای این که همه مردم، رسم کشورداری و اداره امور کشور را بیاموزند، نمایندگان شوراها برای یک دوره یک یا دو ساله انتخاب می گردند. علاوه بر این، در دموکراسی شورایی برخلاف دموکراسی پارلمانی که نمایندگان، وزراء و تمام صاحبان مقام و منصب از امتیازات ویژه ای برخوردارند و حقوق های کلان دریافت می کنند، نمایندگان و مقامات دولتی از امتیاز ویژه ای برخوردار نخواهند بود و حداکثر حقوق آنها از متوسط دستمزد کارگران ماهر تجاوز نخواهد کرد. در دموکراسی شورایی، سیستم قضایی کشور نیز متحول می گردد و قضات نیز توسط مردم انتخاب می شوند و مردم از حق عزل آنها نیز برخوردار می گردند. تنها دموکراسی شورایی ست که می تواند توده های زحمتکش مردم ایران را برسروشت خویش حاکم سازد.

کامل ترین و گسترده ترین آزادی های سیاسی

سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان برقراری آزادی های سیاسی و تحقق حقوق دموکراتیک توده های مردم ایران در کامل ترین و گسترده ترین شکل آن است. کسی این آزادی را به مردم ایران نخواهد داد، مگر آن که خود، با مبارزه، آن را به دست آورد و حفظ کند. تضمین حفظ، برقراری و استمرار این آزادی ها نیز قدرت سیاسی توده های مردم و استقرار دموکراسی شورایی ست. تنها دموکراسی شورایی می تواند، آزادی های سیاسی مردم ایران را بدون هرگونه اما و مگر و قید و شرط به رسمیت بشناسد. سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان آن است که عموم مردم ایران از آزادی کامل فکر و عقیده، بیان، نشر و مطبوعات، اجتماع، تظاهرات، اعتصاب، ایجاد احزاب و سازمان سیاسی، تشکیل های صنفی و دموکراتیک برخوردار باشند. سازمان فدائیان (اقلیت) همچنین خواهان برابری حقوق کلیه مردم ایران مستقل از عقیده، نژاد، جنسیت، مذهب، قومیت و ملیت، حق رأی همگانی، برابر، مستقیم و مخفی برای تمام افراد زن و مرد که به سن ۱۸ سال رسیده اند، برافتادن تمام دستگاه ها و مؤسسات تفتیش و سانسور، جاسوسی و شکنجه و ممنوعیت بی قید و شرط این اقدامات و آزادی مسافرت، اقامت و شغل، مصونیت افراد جامعه و محل زندگی آنهاست.

جدایی کامل دین از دولت

سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان جدایی کامل دین از دولت است. این بدان معناست که مذهب باید امر خصوصی مردم اعلام شود. اعضای جامعه آزاد و مجاز باشند که دین داشته باشند یا نداشته باشند، به دینی بگروند یا از آن روی برگردانند. بنابراین، دولت باید خود را از قید هر گونه دین و مذهبی رها سازد. هیچ دین و مذهبی نباید مورد توجه دولت قرار گیرد و در قانون اساسی آینده کشور، هیچ دین و مذهبی نباید به عنوان دین رسمی پذیرفته شود. بر این اساس، هرگونه کمک و حمایت دولت از نهادها و مؤسسات مذهبی ممنوع خواهد بود. ذکر دین و مذهب افراد در اسناد و مدارک رسمی کشور نیز باید ممنوع اعلام شود. مدارس و آموزشگاه های کشور باید مطلقاً غیر مذهبی باشند و تدریس هرگونه امور مذهبی و اجرای مراسم مذهبی در مدارس به کلی ممنوع گردد.

سازمان های طرفدار نظام سرمایه داری چه می گویند و چه می خواهند؟

اسلام برابری زن و مرد را نمی پذیرد. بنابراین روشن است که چرا سازمان های سیاسی سلطنت طلب و جمهوری خواه که ادعا می کنند به جدایی دین از دولت باور دارند، به رسمیت شناختن مذهب رسمی را نمی کنند و این خود نشان می دهد که آنها طرفدار تلفیق پوشیده دین و دولت اند.

برابری حقوقی محدود و صوری زن و مرد

ستم وحشیانه ای که جمهوری اسلامی نسبت به زنان ایران روا داشته و نیمی از جمعیت ایران را حتا از ابتدایی ترین حقوق انسانی محروم کرده است، سبب شده که تمام سازمان های مخالف جمهوری اسلامی، توجه ویژه ای نسبت به مسئله زنان داشته باشند. در چنین شرایطی، احزاب سلطنت طلب و جمهوری خواه وابسته به سرمایه داران نیز وعده می دهند که برابری حقوق زن و مرد را به رسمیت خواهند شناخت. همه این را می دانند که گرچه وضعیت زنان در دوران رژیم سلطنتی در مقایسه با جمهوری اسلامی بهتر بود، اما در آن دوران نیز هیچگاه برابری حقوق زن و مرد به رسمیت شناخته نشد. در آن دوران نیز قوانین حاکم بر ایران، برابری صحنه می گذاشت.

اما این که آنها امروز نیز به رغم ادعایشان در مورد برابری حقوق زن و مرد، تنها از برابری صوری و محدود دفاع می کنند، نخست از این واقعیت آشکار است که آنها خواهان جدایی کامل دین و دولت و نفی مذهب رسمی نیستند.

مادام که هر حزب و سازمان سیاسی وجود یک مذهب رسمی را می پذیرد، نمی تواند به برابری حقوق زن و مرد باور داشته باشد. چرا که پذیرش یک دین رسمی به نام اسلام، به معنای رعایت ضوابط و مقررات اسلامی در قوانین کشور است و اسلام زن را نصف مرد و شهروند درجه ۲ می داند. حتا اگر معدودی از این جریانها پیدا شوند که واقعاً به جدایی دین از دولت باور داشته باشند، این واقعیت به جای خود باقیست که در نظام سرمایه داری حتا در دموکراسی های پارلمانی آن، این برابری همواره صوری و محدود خواهد ماند. در دموکراسی های پارلمانی غرب، برابری حقوق زن و مرد، قانوناً به رسمیت شناخته شده است، اما در عمل نقض می گردد.

ادامه تبعیض و ستمگری ملی

ایران کشوری ست چند ملیتی. اما تا به امروز همواره ملیت های غیر فارس ساکن ایران، با تبعیض و ستمگری روبرو بوده اند. رژیم های حاکم بر ایران هیچگاه حقوق این ملت ها را به رسمیت نشناخته و به نام حفظ یکپارچگی ایران پیوسته آنها را سرکوب کرده اند.

اکنون نیز احزاب و سازمان های وابسته به سرمایه داران که خود را مخالف جمهوری اسلامی معرفی می کنند، جز ادامه تبعیض و ستمگری، سیاستی ندارند. چرا که آنها از به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت برای ملل ساکن ایران سر باز می زنند. آنها این حق را از ملل ساکن ایران سلب می کنند که آزادانه در مورد سرنوشت و آینده خود تصمیم بگیرند. بنابراین با ادامه تبعیض و ستمگری، به دشمنی ملی دامن می زنند.

عدم تحقق اصلی ترین مطالبات جوانان و پاپرچائی نظام آموزشی کهنه و ارتجاعی

جوانان در ایران با انبوهی از فشارها و معضلات، از جمله نبود حقوق و آزادیهای فردی، اجتماعی و سیاسی، معضلات تحصیلی و بیکاری، مادی و معیشتی روبرو هستند.

سازمان های سیاسی طرفدار نظم سرمایه داری، تنها بر مسئله آزادیهای

سازمان فدائیان (اقلیت) چه می گویند و چه می خواهند؟

مذهب و دستگاه روحانیت مطلقاً نباید هیچگونه دخالتی در مدارس و برنامه های آموزشی داشته باشند.

برابری کامل حقوق اجتماعی و سیاسی زن و مرد

سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان الغاء کامل و فوری هرگونه ستم و تبعیض برپایه جنسیت است.

لذا باید بدون هرگونه محدودیت و قید و شرط، برابری حقوق اجتماعی و سیاسی زن و مرد به طور کامل به رسمیت شناخته شود و تمام قوانین و مقررات ارتجاعی مربوط به تعدد زوجات، صیغه، حق طلاق یک جانبه از سوی مردان، تکفل و سرپرستی فرزندان، قوانین و مقررات تبعیض آمیز در مورد ارث، مقررات حجاب اجباری، جداسازی زن و مرد در مؤسسات و مراکز عمومی و خلاصه کلام، کلیه مقررات و اقدامات سرکوبگرانه نظیر شلاق و سنگسار و غیره باید به فوریت ملغاء و ممنوع اعلام شوند.

هرگونه فشار، تحقیر، اجبار و اذیت و آزار و خشونت علیه زنان و کودکان در محیط خانوادگی نیز باید ممنوع اعلام گردد و مجازات شدیدی در مورد نقض آنها اعمال گردد.

حق سقط جنین بی قید و شرط به رسمیت شناخته شود.

زنان باید بتوانند آزادانه و با برابری کامل با مردان در تمام شئون زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مشارکت داشته باشند و به تمام مشاغل و مقامات بدون استثناء دسترسی داشته باشند.

سازمان فدائیان (اقلیت) بر این نکته نیز تأکید می ورزد که هرچند اقدامات فوق الذکر گام های مهمی در جهت رفع نابرابری و تبعیض نسبت به زنان اند، اما هنگامی برابری حقوقی آنها به یک برابری واقعی و همه جانبه تبدیل خواهد شد که در ایران سوسیالیسم مستقر گردد.

سازمان فدائیان (اقلیت) تنها، خواهان برابری حقوقی و قانونی میان زن و مرد نیست، بلکه خواهان یک برابری همه جانبه و کامل و رفع تام و تمام هرگونه ستم و تبعیض نسبت به زنان است.

الغاء کامل ستم و تبعیض ملی

سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان الغاء کامل هر گونه ستم و تبعیض برپایه ملیت است. لذا خواهان آن است که حق تعیین سرنوشت برای ملل ساکن ایران به رسمیت شناخته شود و ملت های تحت ستم، از این حق برخوردار باشند تا آزادانه در مورد سرنوشت و آینده خود تصمیم بگیرند.

سازمان فدائیان (اقلیت) که حق تعیین سرنوشت را برای ملل ساکن ایران به رسمیت می شناسد، از اتحاد داوطلبانه و آزادانه تمام ملت های ساکن ایران بر مبنای حقوق برابر دفاع می کند.

سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان آن است که تمام مللی که آزادانه و داوطلبانه کشور را تشکیل میدهند، از خودمختاری وسیع منطقه ای برخوردار باشند.

هرگونه زبان رسمی اجباری نیز باید ملغاء شود و حق اهالی به آموزش زبان مادری در مدارس و آموزشگاهها و استفاده از آن در نهادهای دولتی و مجامع عمومی به رسمیت شناخته شود.

اقدامات فوری به نفع جوانان و دگرگونی بنیادی در نظام آموزشی کشور

سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان تحقق فوری حقوق و آزادیهای فردی، اجتماعی و سیاسی جوانان، حل معضلات تحصیلی و بیکاری و ایجاد امکانات گسترده ورزشی، فرهنگی و هنری به منظور رشد و شکوفایی جسمانی، معنوی و فرهنگی جوانان است.

سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان دگرگونی بنیادی نظام آموزشی کشور به نحوی ست

سازمان های طرفدار نظام سرمایه داری چه می گویند و چه می خواهند؟

فردی تاکید می کنند و بقیه مطالبات جوانان را بدون جواب می گذارند. نظام آموزشی و تحصیلی نیز که احزاب وابسته به طبقه سرمایه دار از آن دفاع می کنند، با اندکی تعدیل همین نظامی است که اکنون در کشور وجود دارد و مانع شکوفایی استعداد های جوانان می شود. در این نظام آموزشی، همواره میلیون ها تن از فرزندان مردم زحمتکش از سواد و تحصیل محروم می مانند و عمدتاً کسانی امکان دسترسی به تحصیلات عالی را پیدا می کنند که امکانات مالی آن را داشته باشند. اکنون سازمان های سیاسی وابسته به سرمایه داران، خواهان خصوصی سازی عموم مدارس و دانشگاه ها هستند که در نتیجه آن، آموزش و تحصیل به انحصار کامل فرزندان ثروتمندان در خواهد آمد. این سیستم آموزشی علاوه بر تمام این مسائل، راه حلی هم برای اشتغال همگانی جوانان پس از پایان دوره متوسطه یا تحصیلات عالی ندارد.

افزایش اجاره ها و تشدید معضل مسکن

یکی از معضلات بزرگ میلیون ها تن از مردم ایران، اجاره های هنگفت مسکن است که در هر ماه حداقل نیمی از دستمزد و حقوق مردم زحمتکش مستأجر را می بلعد. احزاب و سازمان های طرفدار نظم سرمایه داری، هیچ گاه راه حلی برای این معضل نداشته و نخواهند داشت، چرا که مادام که نظام سرمایه داری و مالکیت خصوصی پابرجاست این معضل همواره وجود خواهد داشت. با ادامه و تشدید سیاست خصوصی سازی که سازمان های سلطنت طلب و جمهوری خواه اپوزیسیون جمهوری اسلامی نیز خود را ملزم به ادامه آن می دانند، نه تنها چشم اندازی برای تخفیف این معضل وجود نخواهد داشت، بلکه بالعکس اجاره بهای مسکن افزایش خواهد یافت و با افزایش بهای مسکن، تعداد کمتری از مردم قادر به خرید آن خواهند بود.

افزایش هزینه های بهداشتی و درمانی مردم

تمام احزاب و سازمان های طرفدار نظم سرمایه داری، از سیاست موسوم به لیبرالیسم اقتصادی پیروی می کنند و خواهان کاهش بودجه های بهداشتی و درمانی از سوی دولت، افزایش بار این هزینه ها بر دوش کارگران و خصوصی سازی هر چه بیشتر این بخش ها هستند. نتیجتاً با گذشت هر روز وضعیت بهداشتی و درمانی مردم وخیم تر شده و هزینه های آنها در این زمینه افزایش یافته است. احزاب سلطنت طلب و جمهوری خواه اپوزیسیون رژیم جمهوری اسلامی نیز، سیاست دیگری جز ادامه همین سیاست ندارند.

محدودتر شدن حقوق و امکانات کارگران

سازمان های سیاسی مدافع نظام سرمایه داری، همواره کوشیده اند که حقوق و امکانات کارگران را محدود کنند، تا در نتیجه آن، سود سرمایه داران افزایش یابد. سیاست موسوم به لیبرالیسم اقتصادی که در جمهوری اسلامی به مرحله اجرا در آمده است، سیاست مورد پذیرش احزاب سلطنت طلب و جمهوری خواه اپوزیسیون جمهوری اسلامی نیز هست. ادامه این سیاست به معنای تشدید استثمار کارگران و وخامت روز افزون شرایط کار و زندگی آنهاست. لذا احزاب طرفدار نظم سرمایه داری نه فقط با افزایش دستمزد واقعی کارگران مخالفتند، بلکه دستمزد واقعی را مداوماً کاهش داده اند و بازمه کاهش می دهند. آنها با کاهش ساعات کار نه تنها مخالفتند، بلکه خواهان افزایش ساعات کارند. نه تنها دو روز تعطیل پی در پی و ۳۰ روز مرخصی سالانه را نمی پذیرند، بلکه خواهان حذف و یا محدود کردن آن هستند. احزاب طرفدار نظم سرمایه داری خواهان محدودتر کردن هر بیشتر امکانات بیمه های درمانی، بیمه بازنشستگی و بیکاری هستند. آنها خواهان افزایش سن بازنشستگی هستند.

سازمان فدائیان (اقلیت) چه می گویند و چه می خواهند؟

که نزدیک ترین پیوند بین مدرسه و کار اجتماعی مولد برقرار گردد و آموزش های نظری و علمی تلفیق گردند. در چنین سیستم آموزشی، موانع موجود بر سر راه شکوفایی استعداد های جوانان بر خواهد افتاد، دیگر نیازی به ایجاد موانع مصنوعی برای ادامه تحصیل نظیر کنکور وجود نخواهد داشت و هر کسی به حسب تمایل و استعداد خود قادر به ادامه تحصیلات عالی رایگان خواهد بود. سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان آموزش و تحصیل رایگان و اجباری تا پایان دوره متوسطه و سازماندهی یک نهضت توده ای برای ریشه کن کردن بی سوادی است. دولت موظف به اشتغال جوانانی است که تحصیلات خود را به اتمام رسانیده اند و مادام که مسئله اشتغال آنها حل نشده است، باید از مزایای بیمه بیکاری برخوردار شوند. دولت موظف است از طریق ایجاد و گسترش مراکز ورزشی و پرورشی، ایجاد کلوب های مختلف هنری، فرهنگی و دیگر مراکز و مؤسسات تفریحات سالم در جهت شکوفایی و رشد و اعتلاء جسمانی، معنوی و فرهنگی جوانان تلاش نماید.

اقدام فوری برای حل معضل مسکن

سازمان فدائیان (اقلیت) هر چند که حل قطعی مسئله مسکن را تنها با استقرار سوسیالیسم در ایران امکان پذیر می داند، معهداً به عنوان اقداماتی فوری، خواهان آن است که کلیه ساختمان های زائد دولتی و مصادره ای به عنوان مسکن در اختیار زحمتکش قرار گیرد. اجاره مسکن متناسب با سطح دستمزد کارگران تعیین و به مرحله اجرا گذاشته شود. به منظور کاهش هر چه بیشتر هزینه های مسکن، بخشی از هزینه مسکن کارگران و زحمتکشان به عنوان سوبسید توسط دولت پرداخت گردد. همزمان با این اقدامات، یک برنامه ریزی جامع برای تولید انبوه مسکن و قراردادن آنها به بهایی نازل در اختیار زحمتکشان به مرحله اجرا در آید.

بر خوردهای رایگان از امکانات بهداشتی، درمانی و دارویی

سازمان فدائیان (اقلیت) که مخالف لیبرالیسم اقتصادی و کاهش بودجه های بهداشتی و درمانی از سوی دولت است، خواهان برخورداری تمام کارگران و زحمتکشان از امکانات بهداشتی، درمانی و دارویی رایگان است.

افزایش حقوق قانونی، بهبود شرایط کار و زندگی کارگران

سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان اقدامات فوری زیر به منظور بهبود شرایط کار و زندگی کارگران ایران است.

- برقراری یک سیستم جامع تأمین اجتماعی و برخورداری کارگران از بیمه بیکاری، درمانی، سوانح، نقض عضو، جراحت، کهولت، فرسودگی، از کار افتادگی و امراض ناشی از حرفه و کار.
- افزایش دستمزد کارگران متناسب با سطح هزینه ها و تأمین معیشت یک خانواده ۵ نفره کارگری.
- ۴۰ ساعت کار و دو روز پی در پی تعطیل در هفته، یک ماه مرخصی سالانه با پرداخت حقوق کامل.
- کاهش ساعات کار در رشته هایی که با شرایط دشوار و مخاطره آمیز روبرو هستند به ۶ ساعت در روز و ۳۰ ساعت در هفته.
- حداکثر سن بازنشستگی مردان ۵۵ سال سن یا ۲۵ سال سابقه کار و حداکثر سن بازنشستگی زنان ۵۰ سال سن یا ۲۰ سال سابقه کار.
- در رشته هایی که با شرایط دشوار و مخاطره آمیز روبرو هستند سن بازنشستگی باید حداکثر به ۴۵ سال سن یا ۲۰ سال سابقه کار محدود شود.

سازمان‌های طرفدار نظام سرمایه‌داری چه می‌گویند و چه می‌خواهند؟

احزاب طرفدار نظام سرمایه‌داری، هیچگاه تدوین یک قانون کار با مشارکت، نظارت و تصویب تشکلهای کارگری را نمی‌پذیرند. آنها حتی به قانون کاری که خود به شکلی بوروکراتیک تصویب کرده‌اند، پای بند نمی‌مانند. آنها می‌خواهند هرگونه مانع و محدودیت قانونی که بر سر راه هرچه بیشتر استثمار کارگران وجود داشته باشد، برچیده شود و دست سرمایه‌داران چنان باز باشد که با کارگران همانند بردگان دوران باستان برخورد کنند.

لذا آنها اکنون خواهان محرومیت هرچه بیشتر کارگران از شمول یک قانون کارند و چنانچه قدرت آن را پیدا کنند یک‌سره هرگونه قانون کاری را کنار می‌گذارند.

وخامت وضعیت زحمتکشان روستاها

احزاب سلطنت طلب و جمهوری خواه طرفدار نظم سرمایه‌داری، برنامه‌ای جز ادامه سیاست‌های دوران رژیم سلطنتی و جمهوری اسلامی در عرصه کشاورزی ندارند. این سیاست در خدمت ملاکین و سرمایه‌داران قرار دارد. ادامه این سیاست نه تنها بهبودی در وضعیت کشاورزی پدید نمی‌آورد، بلکه به خانه خرابی و بیکاری و گرسنگی میلیون‌ها دهقان زحمتکش دیگر خواهد انجامید.

لیبرالیسم اقتصادی به نفع سرمایه‌داران

احزاب و سازمان‌های سلطنت طلب و جمهوری خواه اپوزیسیون جمهوری اسلامی، خواهان ادامه سیاست‌های رژیم جمهوری اسلامی در عرصه اقتصادی هستند که به عنوان لیبرالیسم اقتصادی از سوی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول دیکته شده‌است. این سیاست معنای دیگری جز بازگذاشتن دست سرمایه‌داران داخلی و بین‌المللی در استثمار هرچه بیشتر کارگران، چپاول و غارت ثروت‌های عمومی متعلق به توده‌های مردم و بالنتیجه کسب سودهای هنگفت برای سرمایه‌داران، نداشته و نخواهد داشت. توده‌های کارگر و زحمتکش ایران به خوبی می‌دانند که این سیاست اقتصادی که از دوران رفسنجانی آغاز شد و توسط خاتمی ادامه یافت، چه نتایج فاجعه‌باری به بار آورده است.

به اسم مشارکت مردم در امور اقتصادی، تعداد زیادی از کارخانه‌ها و مؤسسات تولیدی و خدماتی بخش دولتی، مفت و مجانی به سرمایه‌داران بخش خصوصی واگذار شده است. البته بهترین و سودآورترین آنها را سران و کارگزاران رژیم به تصاحب شخصی خود و یا اقوام و آشنایان درآورده‌اند.

این سیاست که با تشدید فشار به کارگران و افزایش استثمار آنها همراه بوده است، وضعیت مادی و معیشتی کارگران را پیوسته وخیم‌تر کرده است. دستمزدهای واقعی کاهش یافته‌اند، حقوق و مزایای کارگران محدودتر شده‌اند. میلیون‌ها کارگر در نتیجه این سیاست بیکار شده‌اند. بهای کالاها همه ساله افزایشی بین ۲۰ تا ۴۰ درصد داشته است. این سیاست منجر به تنزل روز افزون سطح معیشت توده‌های زحمتکش و تشدید فقر و گرسنگی میلیون‌ها انسان شده است.

ادامه این سیاست، این نتایج فاجعه‌بار را چند برابر خواهد کرد.

سیاست خارجی و دیپلماسی سری

تمام احزاب مدافع نظام سرمایه‌داری، به منظور سرپوش‌گذاشتن بر سیاست‌های ضد مردمی خود، از اصل دیپلماسی مخفی پیروی می‌کنند. آنها مذاکرات و مباحثات پشت پرده، عقد قراردادهای پیمان‌ها و زودبندهای خود را با دولت‌های دیگر، پوشیده می‌دارند، تا توده‌های مردم از آنها آگاه نشوند.

سازمان فدائیان (اقلیت) چه می‌گوید و چه می‌خواهد؟

— زنان باید از حقوق و مزایای کامل برابر با مردان در ازای کارمسای برخوردار باشند.

— زنان باید از امکانات و تسهیلاتی نظیر شیرخوارگاه و مهد کودک در محل کار و زندگی برخوردار باشند.

— به زنان باردار باید یک‌ماه قبل و سه ماه بعد از زایمان مرخصی بدون کسر حقوق داده شود و آنها از امکانات پزشکی، درمانی و دارویی رایگان برخوردار باشند.

— استخدام کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال باید ممنوع شود.

— برخورداری کارگران کشاورزی، بخش خدمات و حرفه‌ها از حقوق و مزایای مساوی با کارگران صنعتی.

سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان آزادی کامل اتحادیه‌ها و دیگر تشکلهای کارگری و آزادی حق اعتصاب با پرداخت کامل دستمزد در دوران اعتصاب است.

سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان تدوین یک قانون کار با مشارکت، نظارت و تصویب تشکلهای و مجامع کارگری است.

افزایش سطح رفاه زحمتکشان روستاها

سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان ملی شدن کلیه اراضی، مراتع، جنگل‌ها و تمام منابع طبیعی زیر زمینی است.

همچنین خواهان مصادره فوری کلیه اراضی، املاک و وسایل تولید سرمایه‌داران و مالکین بزرگ، موقوفات و بنیادهای متعدد مذهبی و انتقال فوری آنها به دهقانان متشکل شده در شوراهای و تعاونی‌ها است.

— لغو کلیه بدهی‌های دهقانان زحمتکش به دولت، بانک‌ها و کلیه مؤسسات مالی سرمایه‌داری، ملاکین و رباخواران.

— تشویق دهقانان به کشت جمعی و ایجاد واحدهای بزرگ کشاورزی به منظور صرفه جویی در کار و هزینه محصولات.

دمکراتیزه کردن اقتصاد کشور به نفع کارگران و زحمتکشان

سازمان فدائیان (اقلیت) شدیداً مخالف سیاست‌های اقتصادی ست‌کلاخواب و سازمان‌های وابسته به سرمایه‌داران از آن دفاع می‌کنند و از انجام اقدامات اقتصادی فوری به منظور دمکراتیزه کردن اقتصاد کشور به نفع کارگران و زحمتکشان دفاع می‌کند.

سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان سازماندهی تولید و توزیع به شکلی برنامه‌ریزی شده به نفع کارگران و زحمتکشان است. بدین منظور ضروری است که:

— کلیه صنایع و مؤسسات متعلق به سرمایه‌داران بزرگ، انحصارات امپریالیستی، نهادها و مؤسسات مذهبی، ملی اعلام شوند و کارخانه‌ها و مؤسساتی هم که توسط جمهوری اسلامی به بخش خصوصی واگذار شده‌اند، مجدداً از آنها بازپس گرفته شود.

— کلیه بانک‌ها ملی اعلام شوند و در یک بانک واحد ادغام گردند. ملی‌کردن بانک‌ها به این معناییست که پیشیزی از سپرده‌های مردم از آنها گرفته شود، بلکه این اقدام به منظور کنترل نقل و انتقال سرمایه‌های سرمایه‌داران و بهبود اوضاع اقتصادی ضروری است.

— دیگر مؤسسات مالی نظیر شرکت‌های بیمه نیز باید ملی اعلام شوند و در یک مؤسسه واحد ادغام گردند.

— ضروریست تجارت خارجی نیز ملی گردد و کالاها به شکلی برنامه‌ریزی شده از طریق تعاونی‌ها توزیع گردند تا دست‌تجار و واسطه‌های مفت خور کوتاه گردد و وسایل مورد نیاز مردم به بهایی نازل در اختیار آنها قرارگیرد.

— آنچه که در برنامه دمکراتیزه کردن اقتصاد کشور ضروری و محوری است، برقراری کنترل شوراهای کارگری بر تولید در تمام مؤسسات دولتی و خصوصی و یک کنترل توده‌ای بر توزیع است. لذا به منظور اجرای اکید کنترل کارگری بر تولید و توزیع ضروریست که اسرار بازرگانی ملغا گردند تا کارگران بتوانند از تمام امور مؤسسه آگاه باشند و بر میزان تولید، فروش، چگونگی توزیع کالاها، اندوخته‌ها، مواد خام و سود مؤسسه کنترل داشته باشند. کنترل کارگری همچنین ایجاب می‌کند، که شوراهای کارخانه‌ها در مورد استخدام و اخراج و دستمزد تصمیم‌گیری کنند.

— اقدام دیگری که به منظور دمکراتیزه کردن اقتصاد کشور ضروری است، لغو مالیات غیر مستقیم و برقراری مالیات تصاعدی بر ثروت، درآمد وارث است.

الغای دیپلماسی سری

سازمان فدائیان (اقلیت) خواهان برافتادن رسم دیپلماسی سری و آگاهی عموم مردم از تمام مناسبات، مذاکرات، عقد قراردادهای پیمان‌ها با دولت‌های دیگر است. تمام قراردادهای پیمان‌های اسارت‌باری که مخفیانه و به دور از چشم توده مردم توسط رژیم منعقد شده‌اند، باید علنی گردند و ملغا اعلام شوند.

بر کدام جنازه می‌گیرید؟

بر کدام جنازه زار می‌زند این ساز؟

بر کدام مرده پنهان می‌گیرید

این ساز بی‌زمان؟

در کدام غار

بر کدام تاریخ می‌موید این سیم و زه، این پنجه نادان؟

بگذار برخیزد مردم بی‌لبخند

بگذار برخیزد!

زاری در باغچه بس تلخ است

زاری برچشمه صافی

زاری بر لقاح شکوفه بس تلخ است

زاری بر شراع بلند نسیم

زاری بر سپیدار سبز بالا بس تلخ است.

بر برکه لاجوردین ماهی و باد چه می‌کند این مدیحه‌گوی تباهی؟

مطرب گوخانه به شهر اندر چه می‌کند

زیر دریاچه‌های بی‌گناهی؟

بگذار برخیزد مردم بی‌لبخند

بگذار برخیزد!

(احمد شاملو)



ستم و تبعیض بر پایه جنسیت ملغا باید گردد

رژیم جمهوری، اسلامی زنان را در معرض بیرحمانه‌ترین و وحشیانه‌ترین شکل ستم، تبعیض و فشار قرار داده است.

رژیم جمهوری اسلامی، با وضع قوانین و مقررات ارتجاعی و با ایجاد محدودیت‌ها و تضییقات مختلف، زنان را از ابتدائی‌ترین حقوق دمکراتیک، مدنی و انسانی خود محروم نموده و به یک شهروند درجه دو تبدیل کرده است.

سازمان فدائیان (اقلیت) می‌گوید:

- هرگونه ستم و تبعیض بر پایه جنسیت باید فوراً ملغا گردد و زنان از حقوق کامل اجتماعی و سیاسی برابر با مردان برخوردار گردند.

- تمام قوانین و مقررات مربوط به تعدد زوجات، صیغه، حق طلاق یکجانبه، مقررات مربوط به تکفل و سرپرستی فرزندان، قوانین و مقررات تبعیض آمیز در مورد ارث، مقررات حجاب اجباری، جداسازی زن و مرد در موسسات و مراکز عمومی، و تمام مقررات و اقدامات سرکوبگرانه و وحشیانه نظیر شلاق، سنگسار و غیره باید به فوریت ملغا گردند.

- باید هرگونه فشار، تحقیر، اجبار، اذیت و آزار و خشونت علیه زنان در محیط خانواده ممنوع گردد و مجازات شدید در مورد نقض آنها اعمال شود.

- زنان باید از حقوق و مزایای برابر و کامل با مردان در ازای کار مساوی برخوردار باشند.

- زنان از امکانات و تسهیلاتی نظیر شیرخوارگاهها و مهد کودکها در محل کار و زندگی برخوردار باشند.

- به زنان باردار یکماه قبل و سه ماه بعد از زایمان بدون کسر حقوق و با برخورداری از امکانات پزشکی، درمانی و دارویی رایگان، مرخصی داده شود.

- کار زنان در رشته‌هایی که برای سلامتی آنها زیان‌آور است ممنوع شود.

سازمان فدائیان (اقلیت)

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

اخباری از ایران

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

آلمان
K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اتریش
Kar
Postfach 260
1071 , Wien
Austria

دانمارک
I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M . A . M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourbe
75015 Paris
France

کانادا
K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7
Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایند

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره های فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

کارفرماها عموماً تلاش دارند با استفاده از وام های دولتی، کارگران را بازخرید کنند. کارگران این واحدها شدیداً نگران آینده شغلی خود هستند و می گویند، دیروز نوبت شادان پور، امروز نوبت "نخکار" و فردا مشخص نیست قرعه به نام کدام یک از این واحدهای تولیدی بیافتد! کارگران خواهان ادامه کاری کارخانه و ضمانت شغلی می باشند.

* اعتراضات دانشجویی

اعتراضات دانشجویی در اشکال مختلفی از جمله در شکل اعتصاب، تحصن، اعتصاب غذا، در اکثر دانشگاههای ایران همچنان ادامه دارد. دانشجویان ضمن اعتراض به بازداشت ها و دستگیریهای اخیر، خواستار آزادی فوری دستگیرشدگان اند. از جمله این اقدامات اعتراضی می توان به تحصن و اعتصاب غذایی چندروزه دانشجویان دانشگاه صنعتی خواجه نصیر طوسی، اعتصاب غذایی دانش جویان دانشگاه باهنر کرمان، تحصن و اعتصاب غذایی دانشجویان علامه طباطبایی و "شهید رجایی" و اعتصاب غذایی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، اشاره نمود.

قابل ذکر است که به دنبال بستن کوی دانشگاه تهران، کلیه خوابگاههای دانشگاه علامه طباطبایی نیز از روز ۱۵ تیر ماه کاملاً تعطیل اعلام گردید.

* چند خبر کوتاه

- آمار انتشار یافته از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی در سال ۸۰، نشان می دهد که ۴۱/۴ درصد کل بیکاران کشور را، بیکاران با تحصیلات بالای دیپلم تشکیل می دهند.

- مدیر کل زندان های خراسان می گوید: هم اکنون ۱۷۰۰ زندانی در زندان مرکزی مشهد، در راهروهای زندان نگهداری می شوند. روزانه ۱۵۰ زندانی به زندان مرکزی شهر معرفی می شوند و ۳۰۰۰ نفر برای ملاقات زندانیان مراجعه می کنند. زندان مرکزی مشهد، به جای آن که ۲۵۰۰ زندانی داشته باشد، ۸۰۰۰ نفر زندانی را در خود جای داده است. هم اکنون ۲۳ هزار زندانی در ۲۰ زندان در خراسان نگهداری می شوند که نیمی از آنها در مشهد می باشند.

* تجمع اعتراضی کارکنان شهرداری

روز شنبه هفتم تیر، بیش از هزار نفر از کارکنان شهرداری آبادان، در محل شورای شهر دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارکنان، خواهان پرداخت حقوق کامل و مزایای فروردین، اردیبهشت و خردادماه خود شدند. از آن جا که مسئولین شهرداری به خواست اعتراض کنندگان توجه نکردند، کارکنان شهرداری روز یازده تیرماه، بار دیگر در این محل دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار پرداخت مطالبات معوقه خود شدند. به دنبال این اقدام اعتراضی، شهردار آبادان، در جمع اعتراض کنندگان حاضر شد و وعده داد به زودی همه مطالبات کارکنان پرداخت شود.

* اعتراض کارگران سامیکو

کارگران کارخانه سامیکو همدان، اواخر خردادماه، در برابر فرهنگ سرای این شهر، دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار پرداخت حقوق های معوقه، عیدی و پاداش آخرسال خود شدند. بیش از شش ماه است که دستمزد کارگران پرداخت نشده است. کارگران تهدید کردند چنانچه به خواست آنان رسیدگی نشود، دست به راهپیمایی خواهند زد.

* تجمع اعتراضی کارگران مبلیران

کارگران شرکت مبلیران، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود، روز بیست و چهارم خرداد دست به تجمع اعتراضی زده و جاده مخصوص کرج را مسدود ساختند. این تجمع با دخالت نیروهای سرکوب پایان یافت. اما از آنجا که مطالبات کارگران برآورده نشد، نزدیک به ۲۵۰ تن از کارگران در اواخر خرداد ماه، باردیگر دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار پرداخت مطالبات معوقه خود شدند.

* انحلال "نخکار" و بیکاری کارگران

کارخانه "نخکار" به بهانه ضرردهی و کمبود نقدینگی تعطیل و کارگران آن از کار بیکار شدند. این کارخانه در غرب تهران واقع شده است. کارگران سایر واحدهای تولیدی واقع در این محور نیز با مشکلاتی مشابه مواجه اند.

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiyan - minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaiyan - minority.org

KAR

Organization Of Fedaiyan (Minority)

No. 409 juli 2003